

آشنایی با مدیریت ریسک بازارهای مالی

مجموعه جلسات برگزار شده در گروه دانش سرای تحلیلگران بورس ایران

مدرس: **خاطره نیکویی**

در این جلسه می خواهیم بپردازیم به اینکه چطور در بازاری پر ریسک ، باقی بمانیم تا به درآمد برسیم. حتما شنیده اید که میگویند 90% کسانی که وارد فارکس میشوند ، بازنده هستند. فکر میکنید چرا؟ یا اینکه چرا 10% ثروتمندان - توجه کنید میگویم ثروتمندان نه پولدارها - در بدترین شرایط اقتصادی ورشکسته نمی شوند؟ بازندگان مدیریت سرمایه بلد نیستند یا شاید سیستم معاملاتیشان ریسک به ریوارد مناسبی ندارد؟ علت اصلی برندگان این است که مدیریت ریسک و سرمایه دارند. یک ثروتمند هیچوقت بیشتر از 10% سرمایه اش را در بازارهای پر ریسک ، سرمایه گذاری نمیکند. شما اگر به وارن بافت 1000 دلار سرمایه بدهید و بگویید همین بازار را تست کند (بدون هیچ شناخت قبلی از بازار)، با 10% یا کمتر وارد میشود. تا بتواند در دراز مدت پایدار و باقی بماند. چون میدانند برای تجربه و موفقیت، نیاز به سرمایه و آزمون و خطا دارد و در طول یک دوره ی زمانی باید سرمایه اش را حفظ کند تا بتواند تصمیم بگیرد آیا می خواهد به کارش در این بازار ادامه بدهد یا نه.

حالا فرض میکنیم شما از بازار جهانی خوشتان آمده و می خواهید ببینید آیا می توانید در کنار بازار بورس این بازار را هم یاد بگیرید و از آن کسب درآمد کنید؟ دانش اولیه برای شروع را کسب کرده اید. حالا باید چکار کنید؟ برای باقی ماندن در بازار پر ریسکی مثل فارکس نیاز به شناخت و تجربه داریم و شناخت و تجربه مستلزم صرف زمان و سرمایه ست. اگر زمان ندارید که روزی حداقل 2 ساعت رو به این بازار اختصاص بدهید ، راهی برای پیشرفتتان وجود ندارد. اگر فکر کنید که در این بازار بزرگ و پر ریسک، در عرض مدت کوتاه پولدار میشوید ، محکوم به شکست خواهید شد و به جمع 90% خواهید پیوست .

همونطور که میبینید در بازار کوچکی مثل بورس خودمان به شبه نمیشود پولدار شد . ببینید دوستان زمانی طول میکشه تا با بازار آشنا بشید و تجربه کسب کنید و هر چی این زمان گذاشتن بیشتر باشد، مسلما زودتر با مارکت آشنا خواهید شد. در شروع باید تمرین کنید تا بازار رو بشناسید. مثل هر بازار دیگه ای که شما می خواهید واردش بشوید و سرمایه گذاری کنید، این بازار هم نیاز به آزمون و خطا دارد. خیلی میبینم که وارد بازار میشوند، 1000 دلار سرمایه میگذارند و انتظار دارند این پول با تجربه ی کمی که دارند و توجهی که به آموزه ها ندارند ، برایشان معجزه کند و وقتی بدون توجه به اصول مدیریت ریسک وارد بازار میشوند و پولشان از دست میدهند، میگویند بروکر کلاهبردار است و ما را دچار ضرر کرد اما اگر سود کنند خودشان بودند که سود کردند بنابراین اگر می خواهیم جزو 10% کسانی باشیم که حداقل می خواهیم بازار را تست کنیم و بعد تصمیم بگیریم که دوستش داریم یا نه، بهتر است مدیریت ریسک و سرمایه را بلد بشویم و متعهد به عمل کردن به آنها باشیم.

حاشیه (MARGIN)

هر زمانی که معامله ای انجام می دهید ، درصد مشخصی از حساب شما به عنوان مارجین لازم اولیه کنار گذاشته می شود
حاشیه یا مارجین بر اساس اهرم محاسبه میشود ، ولی برای فهمیدن حاشیه ، فعلا به اهرم فکر نکنید و فرض کنید که حسابی
دارید بدون اهرم و یا اهرم 1:1.

حاشیه مقدار پولی است که در یک معامله شرکت میکند . فرض کنید که به حساب دارید که در آن \$ 10,000 پول دارید و
میخواهید €1000 یورو در مقابل دلار بخرید . چه مقدار دلار باید برای این معامله پرداخت کنید.

نرخ EUR/USD تقریباً 1,0800 است . این بدان معنی است که هر یورو ، 1,0800 دلار ارزش دارد . پس برای خرید 1000
یورو باید مبلغ 1080 دلار پول بدهید.

اگر شما یک long position (خرید) بگیریید یعنی یورو دلار بخرید ، \$ 1080 از حساب شما در این معامله شرکت
میکند . یعنی وقتی شما در هنگام خرید مقدار (volume) را روی 1000 تنظیم میکنید و کلید خرید را فشار میدهید ، مقدار
\$1080 دلار از حساب شما برای خرید 1000 یورو پرداخت میشود . این مقدار \$ 1080 دلار ، حاشیه یا مارژین خوانده میشود
 . حال اگر شما این معامله را ببندید ، این \$ 1080 دلار آزاد خواهد شد و پول به حساب شما برخواهد گشت.

حال فرض کنیم که حساب شما دارای اهرم (Leverage) 1:100 هست . برای خرید 1000 یورو در مقابل دلار شما باید
0,01 مبلغ را پرداخت کنید . بنابراین برای خرید 1000 یورو در مقابل دلار شما تنها \$ 10,08 باید پرداخت کنید.

حالا شما محاسبه کنید . اگر بخواهید یک لات EUR/USD با یک حساب که دارای اهرم 1:100 هست بخرید ، چه مقدار
حاشیه از حساب شما در معامله شرکت میکند ؟

$$\text{lot ERU/USD} = 100.000 \text{ Euro USD1}$$

$$\text{ERU/USD rate} : 1,0800$$

$$100000\$ \times 1,0800 = 108.000,00$$

بنابراین شما باید \$ 108000 داشته باشید که با اهرم 1:100 ؛ حساب شما خواهد شد : \$ 1080

مدیریت سرمایه و روانشناسی معاملات در بازار مبادلات ارز

برای ورود به هر بازار و حرفه ای مهم ترین انگیزه و دلیل برای اغلب افراد کسب درآمد می باشد حال آنکه شرایط گوناگون شخصی، اجتماعی و بازده درآمد می تواند در انتخاب مسیر و نوع کار یا سرمایه گذاری تاثیر گذار باشد.

اگر بخواهیم بی پرده با اغلب کسانی که می خواهند وارد بورس های با فراریت بالا مانند (مبادلات ارز، طلا، نقره، نفت و غیره) صحبت داشته باشیم باید اذعان کنیم که شرایط ورودی و سرمایه گذاری در این بورس ها بسیار آسان می باشد و با توجه به ریسک موجود نیز بازده سرمایه میتواند تا ده ها و صد ها برابر باشد اما از یاد نبریم که ماهیت فرار و بازیگران زیاد این بورس ها باعث به وجود آمدن ضوابط خاص شده است که این ضوابط از قوه تشخیص بسیاری افراد پنهان می باشد. بیشتر از آن که در این بورس ها فرد در حال رقابت با بازیگران دیگر باشد در حال رقابت با خود و محک زدن دانش، تجربه و شرایط روحی روانی خویش در بورس می باشد.

برای موفقیت در بورس های این چنینی سه عامل مهم در موفقیت فرد نقش دارد.

الف: دانش و تجربه

ب: مدیریت سرمایه (Money Management)

ج: نگرش و روانشناسی

در صورتی که سرمایه گذار هر یک از عوامل فوق را نادیده بگیرد و یا در اجرای اصول کوتاهی نماید مستقیماً باعث زیان خود شده و قسمت قابل توجهی از سرمایه خود را از دست خواهد داد. تجربه نشان داده است افرادی که از دانش و تجربه کافی برخوردار نبوده و یا مدیریت ریسک و سرمایه را جدی نمی گیرند و افرادی که نگرش صحیحی به معاملات نداشته و بر خود تسلط کافی ندارند، سرمایه خود را در زمانی کوتاه از دست می دهند.

توجه داشته باشید که این بخش، قسمتی کوچک از کل دوره می باشد ولی با این وجود رعایت، تسلط و بکارگیری تمامی پیشنهادها این قسمت به طور مستقیم با ماندگاری و سودآوری سرمایه گذاری نسبت مستقیم دارد. بنابراین توجه و تمرکز فراوان شما نسبت به این قسمت را برای موفقیت امری واجب و ضروری می دانم.

شناسایی و استفاده از اصول احتمالات در معاملات

پیش بینی ریاضی، فرآیند بسیار مهمی در ترید است. شما میتوانید این علم رابه نفع خودتان بکار ببرید و یا اجازه دهید بازار از آن به نفع خویش استفاده کند.

همانطور که قبلا گفته شد برای موفقیت در بازار و کسب سود مداوم به سه عامل کلی نیاز داریم، نقش و اهمیت سه عامل بالا تا حدی می باشد که ایراد و نقصان در اجرای هر کدام از آنها منجر به از دست رفتن کل حساب خواهد شد. به عنوان مثال در صورتی که تریدر به دو عامل "دانش و تجربه" و "نگرش و روانشناسی" تسلط کافی داشته باشد ولی اصول مدیریت سرمایه را برای تعیین حجم معاملات در نظر نگیرد، پس از مدت کوتاهی سرمایه اش را از دست خواهد داد.

عامل دیگری که شانس کسب در آمد و افزایش حساب را برای معامله گران کمتر می کند میزان اسپرد و تفاوت نرخ خرید و فروش می باشد. اگر شما به صورت کاملا اتفاقی در بازی شیر یا خط شرکت کنید شانس پیروزی و بخت شما کاملا برابر و 50 درصد می باشد حال آنکه در بازار های مالی شما شانس برابر 50 در صد ندارید و بابت هر معامله مبلغی را به عنوان کارمزد (اسپرد) به کارگزار خود می پردازید. در این صورت حتی اگر شانس موفقیت سیستم تحلیل و پیش بینی شما 50در صد باشد باز هم در بلند مدت شما یازنده خواهید بود چرا که به مرور سرمایه شما تحلیل می رود. بنابراین باید سیستمی را پیدا کنید که شانس موفقیت تان را به بیش از 50 در صد برساند. مساله دیگر میزان سرمایه ای می باشد که بر اساس آن معامله می کنید.

دوباره به مثال شیر یا خط بر میگردیم من 1 دلار و شما 10 دلار دارید با هر شیر من یک سنت برنده و با هر خط یک سنت می بازم در صورتی من کل پولم را از دست می دهم که شما 100 خط متوالی بیاورید و شما در صورتی می بازید که من 1000 خط متوالی بیاورم. در صورتی که بین ما کسی مانند بروکر کارمزد نگیرد!!! حال اگر هر شیر 25 سنت مرا برنده و هر خط 25 سنت مرا بازنده کند چه اتفاقی روی می دهد؟ بعد از چهار خط متوالی من سرمایه ام را از دست می دهم و بعد از 40 شیر متوالی شما سرمایه خود را از دست می دهید، شانس چهار احتمال متوالی بیشتر است یا 40 احتمال متوالی؟

کاملا معلوم است که احتمال از دست رفتن سرمایه من 10 برابر احتمال سرمایه شما می باشد. احتمالات این بازی در بازار مبادلات ارز کاملا عینیت دارد و در صورت استفاده از سرمایه کم یا لوریج بالا احتمال بازنده شدن و از دست رفتن سرمایه بسیار زیاد می باشد. برای این منظور غیر از تلاش برای افزایش شانس موفقیت در معاملات، با سرمایه زیاد یا لوریج کمی وارد بازار شوید تا احتمال بازنده شدن شما در مقابل بازار کاهش یابد.

آشنایی با دراو داون (Drawdown) و اندازه گیری بازگشت از ضرر

Drawdown نشان دهنده حداکثر افت سرمایه از مقدار ماکزیمم می باشد و عموماً به صورت درصد بیان می گردد. به عنوان مثال اگر یک معامله گر حساب 20000 دلاری داشته باشد و با ضرری معادل 5000 دلار، حساب خود را به 15000 دلار برساند 25 درصد drawdown را تجربه کرده است. نکته جالب توجه در مورد drawdown این است که اگر یک معامله گر درصدی ضرر کند، برای بازگشت به رقم اولیه باید درصدی بیش از آن مقدار را سود کند! اجازه بدهید مثالی بیاوریم: معامله گری 20000 دلار سرمایه دارد. 50 درصد سرمایه خود را ضرر می کند و سرمایه او به 10000 دلار می رسد. حال اگر وی بخواهد به رقم 20000 دلار اولیه برگردد، باید سرمایه فعلی خود را دو برابر کند. یعنی برای جبران 50 درصد ضرر، باید 100 درصد سود کند که این کار بسیار دشواری است.

به همین ترتیب اگر معامله گر 10 درصد drawdown داشته باشد، برای جبران آن باید 11,11 درصد سود کند...

| Drawdown | سود لازم برای جبران |
|----------|---------------------|
| %3 | %3.09 |
| %5 | %5.26 |
| %10 | %11.11 |
| %20 | %25.00 |
| %50 | %100.00 |

به توجه به مطالب فوق، معامله گر باید توجه داشته باشد که "حفظ سرمایه و ضرر نکردن در اولویت قرار دارد"

شناسایی اصول استفاده از نسبت سود به ضرر (ریسک به ریوارد)

یکی از مهمترین اصول مدیریت ریسک و مدیریت سرمایه رعایت نسبت زیان به سود (Risk/Reward) یا R/R می باشد. قبل از انجام هر معامله شما باید بدانید سود احتمالی که از آن معامله توقع دارید چقدر است و برای به دست آوردن این مقدار سود حاضرید چه میزان از سرمایه خود را به خطر بیندازید. آیا منطقی است که برای به دست آوردن یک سود 1000 دلاری، 5000 دلار ریسک را بپذیریم؟ قطعاً پاسخ منفی است. اصول مدیریت ریسک بیان می کند که در هر معامله، میزان ریسک حداکثر باید نصف سود مورد انتظار باشد. یعنی اگر برای یک معامله فرضاً 30 پوینت استاپ لاس در نظر گرفته اید، حد اقل 60 پوینت یا بیشتر

را باید به عنوان تارگت در نظر بگیرید. اگر فرصت معاملاتی پیش بیاید که نتوانیم این نسبت را برای آن به کار گیریم، توصیه اکید این است که کلا از آن معامله صرف نظر کنیم.

شناسایی اصول محاسبه حداکثر میزان ضرر بر اساس سرمایه

معمولا معامله گران مبتدی به دو صورت موجودی حسابشان را از بین می برند یا با نگذاشتن حد ضرر (استاپ لاس) و یا با معاملات زیان آور پشت سر هم.

در حالت اول برای افراد مبتدی حد ضرر مانند محافظی محکم جلوی از بین رفتن حساب را می گیرد اما آنها عموما با نگذاشتن حد ضرر اجازه می دهند ضررشان انباشته شود. شاید چندین معامله برایشان پیش بیاید که با نگذاشتن حد ضرر، معامله پس از مدتی وارد سود شود اما حتما پس از مدتی به دامی گرفتار می شوند که بازار بر خلاف جهت آنان حرکت می کند و موجب از بین رفتن کل سرمایه در یک معامله می شود.

حالت دوم در صورتی پیش می آید که معامله گر مدیریتی بر ضررهای خویش ندارد و اجازه می دهد ضررهای متوالی و بعضا بزرگ موجودی حسابش را از بین ببرند. برای پیش گیری از این حالت توصیه می شود در هیچ معامله واحدی، مقدار حد ضرر (استاپ لاس) بیش از 3 درصد کل موجودی سرمایه نگردد و در هیچ زمانی مجموع مقدار حد ضرر (استاپ لاس) معاملاتی که همزمان باز هستند بیش از 6 درصد موجودی حساب نباشد. به عنوان مثال برای حسابی 1000 دلاری حداکثر ریسک یک معامله در صورت رسیدن بازار به حد ضرر باید 30 دلار باشد و پیرو این قضیه تنظیم لات (حجم) معامله انجام شود و هیچ زمانی ریسک مجموع معاملات همین حساب نباید بیش از 60 دلار بشود.

توصیه می شود معامله گران برای هر بازه زمانی خود حد ضرری خاص داشته باشند. به عنوان نمونه در صورت 6 درصد زیان در روز یا 10 درصد زیان سرمایه در هفته از معاملات دست کشیده و علت زیان های خود را بر اساس روش معاملاتی خود و مدیریت سرمایه مورد بازبینی قرار دهند و پس از بررسی و رفع اشکالاتی که باعث به وجود آمدن معاملات زیان ده شده است فعالیت خود را از سر گیرند.

جمع بندی : مراحل اصولی انجام یک معامله

آن چه درباره مدیریت سرمایه و روانشناسی ترید (معاملات) تا به اینجا گفته شد قسمتی از اعمال و محاسباتی می باشد که باید مد نظر قرار دهیم. برای عملی کردن اطلاعات بالا در قسمت انتهایی این بخش، نمونه عملی و قدم های لازم برای مدیریت سرمایه را یادآوری می کنیم. فراموش نشود که این قدم ها باید مو به مو اجرا شود و تخطی از قسمتی از آن مساویست با از دست دادن سرمایه. برای مدیریت سرمایه این قسمت را یا کامل مطابق دستورات اجرا کنید و یا به روش خود بازگردید.

1- تحلیل بازار : بر مبنای سیستم خود بازار را تحلیل کنید جهت آنرا تشخیص دهید و آماده معامله بشوید. اگر سیستم شما سیگنالی نمی دهد از وارد شدن به بازار بپرهیزید.

2- تشخیص نقطه خروج : حد ضرر و سود خود را قبل از آغاز معامله تعیین کنید. تایین حد ضرر و سودتان باید بر اساس تحلیل و سیستم معاملاتی شما باشد نه عوامل دیگر. اگر سیستم و روش شما حد سود و زیانتان را مشخص نکرده از وارد شدن به بازار بپرهیزید.

3- ریسک به ریوارد : بعد از آنکه سیستم معاملاتی شما نقاط خروج را برای شما مشخص نمود، ببینید که آیا ریسک به ریوارد شما منطقی است یا خیر. اگر نسبت زیان به سود در قالبی که گفته شد نمی گنجد، بهتر است از انجام معامله بپرهیز کنید.

4- محاسبه سه درصد زیان: محاسبه کنید سه درصد زیان از کل حسابتان چه مقدار می شود. اگر می خواهید بیش از سه درصد پول خود را روی یک معامله ریسک کنید از ورود به بازار بپرهیزید.

5- ارزش هر پوینت زیان - سه درصد پول (دلار) حسابتان را بر میزان پوینت هایی که برای حد ضررتان در نظر گرفته اید تقسیم کنید به این صورت مشخص می شود هر پوینت ضرر شما چه میزان ضرر به شما تحمیل می کند.

اگر این محاسبات را بی ارزش می دانید تا زمانی که آنها را محاسبه نکرده اید از ورود به بازار بپرهیزید.

6- محاسبه مارجین برای هر پوینت - حال که فهمیدید اگر بازار در خلاف پیش بینی شما برود هر پوینت آن چه میزان ضرر برای شما به همراه دارد ارزش هر پوینت زیان را در 100 ضرب کنید. (یا میزان مارجین برای یک پوینت استاندارد آن جفت ارز را محاسبه کنید و سپس با نسبت بندی مارجین و لوریج ارزش هر پوینت ورودی را به دست آورید) مارجین درگیر پوزیشن شما باید به این میزان باشد.

اگر تمایل به استفاده مارجین بیشتر از محاسبات دارید به خاطر متضرر نشدن از ورود به بازار بپرهیزید.

7- مارجین کراس ریت ها - برای ارزیابی که طرف دوم آنها دلار است به محاسبات این قسمت نیازی نیست اما اگر ارز طرف دوم دلار نیست باید مارجین بدست آمده قسمت قبل را در نرخ برابری لحظه ای آن ارز نسبت به دلار ضرب کنید تا مارجین آن معامله بدست بیاید.

اگر 7 قانون مدیریت سرمایه بالا را رعایت کرده اید دیگر دلیلی برای تعلل وجود ندارد از معامله خود لذت ببرید. وارد بازار شوید و نگرانی از بابت مدیریت سرمایه نداشته باشید در بدترین حالت شما سه درصد زیان می کنید که در آینده قابل جبران است.

آشنایی با اشتباهات رایج معامله گران مبتدی

1- کمبود دانش: یکی از اصلی ترین دلایل معاملات زیان آور، کمبود یا نداشتن دانش و آگاهی لازم نسبت به شرایط و واقعیات بازار می باشد. معامله در بازار مبادلات ارز نیز مانند هر حرفه دیگر، نیازمند دانش و تجربه کافی است.

2- معاملات احساسی: این مورد آسیب رسان ترین دلیل برای از بین رفتن حساب می باشد. معاملاتی که برگرفته از برنامه و روش معاملاتی نیست با احساس تریدر سرو کار دارد و به علت اینکه برای این معاملات از تفکر و تعقل استفاده نشده عموماً زیان آور هستند. احساسات گوناگونی می تواند در معاملات دخیل باشد اما یک نکته در تمام احساسات معامله گران یکسان است، تمامی معاملات احساسی منجر به ضرر میگردند. احساس غالب، در اکثر موارد طمع برای کسب سود بیشتر است. در حالی که جلوگیری از ضرر نکته مهم تری است. احساسات خود را بشناسید و در زمان ترید کردن تا حد امکان آنها را کنترل کنید.

3- **معاملات زیاد:** معاملات زیاد (over trading) معمولاً به این دلیل انجام می شود که معامله گر تمایل دارد تمام حرکت های بازار را بدون کم و کاست شکار کند. این امر تقریباً محال است و بزرگترین تحلیل گران و معامله گران دنیا نیز این کار را انجام نمی دهند.

4- **معامله با حجم زیاد:** حجم زیاد معاملات، ریسک سرمایه گذار و آسیب پذیری سرمایه را افزایش می دهد. هنگامی که یک معامله گر با حجم بالا معامله می کند، با تعداد کمی معامله ضررده می تواند کل حساب خود را از دست بدهد.

5- **اعتماد به پیش بینی دیگران:** از معاملات دیگران برداشت و الگوبرداری نکنید، شرایط حساب، دیدگاه و دلایل افراد با یکدیگر برای حضور در بازار متفاوت است. هر کسی حتی در صورت استفاده از پیش بینی دیگران مسئول حساب خویش است، مگر آنکه کل مدیریت حساب خویش را به تریدری دیگر بدهد. تا حد امکان از تحلیل خود پیروی کنید.

6- **نداشتن حد ضرر (استاپ لاس):** نداشتن استاپ لاس به معنی این است که معامله گر حدی برای اشتباه خویش متصور نیست، هر انسانی امکان اشتباه دارد و حد ضرر امکانی برای جلوگیری از فاجعه بار بودن اشتباهات می باشد. قبل از آغاز معامله حد ضرر خود را بشناسید. در زمان معامله اغلب معامله گران تحت تاثیر ترید خود قرار می گیرند و از لحاظ روانی برایشان سخت است که حد ضررشان را بپذیرند. در زمان معامله تغییر حد ضرر عموماً منجر به زیان های بیشتر می شود. هیچ زمانی حد ضرر خود را خلاف جهت معامله خود تغییر ندهید. یعنی مقدار حد ضرر خود را بیشتر نکنید.

7- **معامله در ساعات نامناسب:** آشنایی نداشتن با میزان نوسان بازار در ساعات متفاوت هر جفت ارزی می تواند باعث تخمین های اشتباه معامله گران شود. ارزهای اروپایی در مقابل دلار، در ساعات بازار توکیو نوسانات زیادی ندارند و نباید برای معاملات در این ساعات سودهای زیادی متصور بود و یا در ساعات اولیه بازار لندن و نیویورک نباید نوسانات کوتاه و کوچک ما را از نوسانات بزرگی که بازار در پیش دارد غافل کند.

8- **معامله یک ارز نه یک جفت ارز:** ما در اصل ارزش برابری دو ارز را معامله می کنیم. با تحلیل صرف عوامل تکنیکال یا فاندامنتال یک کشور نمیتوان نتیجه گرفت که یک جفت ارز در چه جهتی حرکت خواهد کرد. شاید فاندامنتال و تکنیکال ارز مقابل، شرایط متفاوتی را برای برابری آن جفت ارز رغم زده باشد که نباید از دید معامله گر پنهان بماند.

9- **نداشتن سیستم معاملاتی:** نداشتن برنامه، روش یا سیستم معاملاتی از اصلی ترین دلایل زیان می باشد. نداشتن برنامه و روش عموماً باعث معاملات احساسی می شود در حالی که روش معاملاتی به تریدر دیدگاهی برای تفسیر تمامی قیمت های بازار می دهد. شاید برنامه و روش مکانیزه و کامپیتری نباشد اما حتماً باید وجود داشته باشد. برنامه باید قابلیت تفسیر بازار، بازدهی در گذشته و همخوانی با شرایط تریدر را داشته باشد. نقصان در هر کدام از این شرایط، باعث معیوب بودن برنامه و پیرو آن از دست رفتن بخش قابل توجهی از سرمایه می شود.

10- **معامله خلاف روند:** عموماً بیشتر برنامه ها و روش های معاملاتی برای استفاده از جهت حرکت بازار استفاده می شوند. هم جهتی معاملات با روند اصلی، امکان سود بیشتر و ریسک کمتر را به همراه دارد. تا زمانی که برنامه و روش امتحان شده شما معاملات خلاف جهت را تایید نکرده است از معامله در خلاف روند اصلی بازار بپرهیزید.

11- **خروج های بی برنامه (خروج از معاملات به خاطر ترس):** معامله گر مبتدی عموماً با سود و یا ضرر های کم، از ترس زیان های بیشتر از معامله خود خارج می شود و برنامه ای غیر از سیستم معاملاتی خود را در پیش می گیرد. در اغلب موارد پتانسیل سود خود را با سود کم یا زیان از دست می دهد و پس از حرکت بازار خود را نکوهش می کند که این امر می تواند عواقب منفی دیگری برای حساب داشته باشد.

12- **معاملات با اهداف کوچک:** کسانی که برای اهداف کوچک وارد می شوند حد ضرر و سود کوچکی در نظر می گیرند (اسکالپر ها) در اغلب موارد، حد ضررشان بیشتر از حد سودشان است و به این نکته توجه نمی کنند که بازار در کوتاه مدت، تحت تاثیر معاملات لحظه ای می تواند جهاتی خارج از جهت اصلی خود ایجاد کند و همین تغییر جهت کوچک می تواند موجب زیان آنها شود. معاملات با اهداف کوچک ریسک حد سود را نسبت به اسپرد افزایش می دهد. اگر یک معامله گر برای معامله ای 10 پیپ حد سود و حد ضرر را در نظر بگیرد با احتساب اسپرد، تنها با 7 پیپ حرکت بازار در خلاف جهت، ضرر می کند در حالی که برای رسیدن قیمت به حد سود، باید بازار 13 پیپ به نفع شما حرکت کند. به نظر شما کدام قیمت نزدیکتر است و به احتمال زیاد دیده خواهد شد؟

13- **معامله در قله ها و دره ها:** افرادی که برای استفاده از تمامی یک روند تلاش می کنند زیان های بسیاری را متحمل می شوند. افراد کمال طلب تنها به دنبال قله ها و دره ها هستند در حالی که قله ها و دره ها در بازارهای دو جهته نسبی بوده و هر زمانی امکان اینکه بازار دره ها و قله های جدیدی بسازد وجود دارد. این مساله را برای خود حل کنید که نمیتوان از تمام حرکات بازار استفاده کرد. شما اگر با رعایت اصول، قسمتی از حرکت مفید بازار را هم شکار کنید، در دراز مدت سود خوبی به دست می آورید.

14- **ساده انگاری بیش از حد:** اینکه روشهای ساده، اصولی و کاربردی عموماً بازده خوبی دارند بر هیچ کس پوشیده نیست اما ساده انگاشتن بیش از حد معاملات، عموماً منجر به زیان می گردد. باید توجه داشت بازار با شرایط و دلایل گوناگونی به حرکت در می آید. ساده انگاری و بی توجهی به عوامل تاثیر گذار بازار عموماً موجب زیان می گردد. نسبت به آنها آگاه باشید.

15- **معامله نزدیکی خبر:** معامله در نزدیکی زمان اعلام اخبار مهم اقتصادی بیشتر مواقع برای ارضای احساس سود گرفتن می باشد. حرکات سریع و ناگهانی قیمت ها در زمان اعلام خبر می تواند هر تریدر آماتوری را وسوسه کند اما آیا نتیجه این معاملات برای وی قابل تصور است؟ در صورت نداشتن تجربه و اشراف کامل نسبت به خبر و موضوع آن، از معامله در زمانهایی که بازار تحت تاثیر خبر است اجتناب کنید.

16- **اطمینان به روش اشتباه:** بسیار دیده شده که معامله گران با سودهای کم تعداد و کوچک تحت تاثیر روشی قرار میگیرند و حتی در صورت زیان آور بودن، آن را تغییر نمی دهند یا بهینه نمی سازند. دائماً خوشبینی بی مورد به خود امید واهی می دهند در حالی که روش یا کارایی خود را از دست داده یا حتی امتحانی کامل و درست پس نداده تا به نتیجه برسند. روش خود را بشناسید و در صورت مشکل داشتن یا آنرا بهینه کنید و یا کلاً تغییر دهید.

17- **نداشتن دستور توقف زیان (استاپ لاس) نزد کارگزار:** تریدرهای مبتدی با توجیحات و دلایل گوناگون ممکن است دستور توقف زیان خود را برای کارگزارشان مشخص نکنند. شاید با رسیدن قیمت به نقطه زیان، ایشان ضرر را بپذیرند و به صورت دستی از معامله خارج شوند ولی حتماً باید فکری هم برای حوادث ناگهانی کرد تا از زیانهای بزرگ جلوگیری شود. قطع دسترسی

به بروکر (قطع اینترنت و تلفن) و حوادث ناگهانی تغییرات قیمتی می تواند باعث شود که شما بیش از مقداری که قبل از معامله پیش بینی کرده اید متضرر شود و در صورت بروز این اتفاق هیچ کسی پاسخ گوی شما نخواهد بود. همزمان با آغاز هر معامله دستور زیان خود را برای بروکر مشخص کنید. بدین صورت معامله خود را برای زیانهای بزرگ به نوعی بیمه کرده اید.

18- توجه نکردن به معاملات باز: توجه نکردن به معاملات و دستورات باز میتواند یکی از دلایل از بین رفتن سرمایه باشد. همه می دانیم ترید و تمرکز مداوم روی قیمتها امری کسالت آور و خسته کننده است اما غفلت و بی توجهی نیز میتواند عواقب بدی برای موجودی حساب داشته باشد. در صورت داشتن معاملات باز بر اساس روش خود شرایط بازار را زیر نظر بگیرید خود را درگیر معاملات متعدد نکنید چرا که با اینکار تمرکز را از بعضی از معاملات خود می گیرید. چه بسا آن معاملات سود بیشتری داشته اند یا امکانش بوده که در ضرر کمتر متوقفشان کرد. در صورتی که احساسات بر شما قالب نمی شوند از معاملات خود غافل نشوید و آنها را ترک نکنید.

19- تفسیر نادرست اخبار: تفسیر نادرست اخبار شاید نشات گرفته از کمبود دانش باشد اما موارد بسیاری نیز وجود دارد که دانش شما به حد کافی است اما تجربه عکس العمل بازار نسبت به آن خبر را ندارید. فرضیات شما برای خبر میتواند کاملا درست باشد اما نقش تجربه و بینش برای تفسیر خبرها بسیار مهمتر و حیاتی تر از دانش می باشد. تا زمانی که تجربه لازم روی اخبار ندارید از معامله بر اساس آنها اجتناب کنید.

20- سپردن معاملات به شانس: سپردن معاملات به اما و اگر برگرفته از رفتار قماربازان می باشد. معاملات خود را مدیریت کنید، برای بهبود آنها تلاش کنید و آنها را زیر نظر بگیرید. مطمئن باشید با شانس نمیتوان در بازارهای مالی موفق شد. دانش، تجربه و مدیریت معاملات از مهم ترین عوامل موفقیت در معاملات می باشند. سرمایه خود را به بخت و اقبال نسپارید.

21- تاثیر پذیری از نوسانات قیمت: بسیار دیده شده معامله گران تحت تاثیر نوسانات، روش و برنامه خود را فراموش می کنند. این تفکر در زمانهایی که بازار حرکات شدیدتری دارد شیوع بیشتری پیدا می کند. افراد در این زمان ها با این تصور که "بازار حرکات شدیدی دارد. چرا من استفاده نکنم" از روش خود پیروی نکرده و ناخواسته موجب زیان حسابشان می شوند. تنها بعد از قبول ضرر است که فرد می فهمد که حرکتش کاملا اشتباه بوده است.

22- نداشتن شجاعت معامله: برخی افراد اساسا بیش از حد محافظه کار هستند. اغلب در زمانی که روششان سیگنال میدهد در مکان لازم وارد نمی شوند و مدام در پی بدست آوردن قیمت های بهتر هستند. شاید در گذشته معاملات زیان آور سختی را پشت سر گذاشته باشند که حال می ترسند. این افراد سعی می کنند مدت زیادی بازار را زیر نظر بگیرند اما در مکان لازم وارد معامله نمی شوند و تنها بعد از حرکت بازار در جهت دلخواهشان، افسوس گذشته را می خورند. تمایل بسیار زیاد به تحلیل بازار بدون گرفتن معامله از علامت های اصلی این افراد می باشد.

23- عدم تمرکز و زمان کافی: زمان و تمرکز از مهم ترین اصولی می باشد که آنقدر بدیهی است که بسیاری از آن غافل می شوند. اگر سیستم تحلیل و معامله شما بر مبنای این است که بعد از معامله آنرا زیر نظر بگیرید بنابراین لازم است قبل از آغاز معامله زمان مورد نیاز را محاسبه کنید. آیا می توانید برای آن معامله تا زمان مورد نیاز، بازار را زیر نظر بگیرید؟ بسیاری هم با اینکه می دانند نمی توانند زمان زیادی بازار را زیر نظر بگیرند سعی در این دارند در مدت کوتاهی نظر خود را بر بازار تحمیل کنند

و بالاخره کاری انجام دهند. این افراد نیز به علت اینکه تمرکز کافی ندارند و در عین حال از روش همیشگیشان استفاده نمی کنند اسباب زیان خود را فراهم می کنند.

24- توجیه معاملات: توجیه معمولاً زمانی بوجود می آید که معامله گر می داند که اشتباه میکند اما با فرضیات غلط، خود را برای انجام آن معامله یا روش اشتباه توجیه می کند. فرد توجیه کننده عموماً عوامل اصلی را فراموش می کند و تنها خود را با عوامل فرعی متغیر فریب می دهد. در بسیاری موارد با خود عهد می بندد که همین یک بار اشتباهی را انجام دهد اما باز آن را تکرار می کند و معاملات معدودی را که با توجیه اشتباه به سود رسیده مدام به خاطر می آورد. توجیه و بهانه آوردن برای معاملات سود آور و زیان آور تنها یک نتیجه دارد و آن هم از بین رفتن حساب فرد است.

25- تعمیم اشتباه قیمت ها: این فرضیه که در بسیاری موارد قیمت بعضی کالاها و ارزها با هم ارتباط نزدیکی دارند بر هیچ معامله گری پوشیده نیست اما این مساله نباید باعث بوجود آمدن فرضیات غلط بشود. با فرض اینکه میدانیم یورو به دلار و پوند به دلار حرکات شبیه به هم دارند، نمیتوان این نتیجه را گرفت که همیشه به مانند هم حرکت می کنند. این اشتباه که معامله گران مبتدی با تحلیل یکی از آنها بر روی جفت ارز دیگر معامله انجام می دهند میتواند فرضیه غلطی باشد. تعمیم نمودارها و قیمت ها به یکدیگر برای انجام معاملات کاری اشتباه است که تنها از معامله گران مبتدی سر میزند.

26- تحت تاثیر جهت قرار گرفتن: اولین و مهمترین کاری که یک تریدر انجام میدهد پیش بینی جهت آینده بازار است. شاید شما جهت را درست تشخیص بدهید اما به علت ورود در جای نامناسب معاملات زیان دهی انجام می دهید. تحت تاثیر جهت بازار قرار نگیرید اجازه بدهید روش و برنامه معاملاتی شما سیگنال ورود را صادر کنند نه جهت قیمت. یعنی ممکن است شما در جهت بازار وارد معامله شوید اما چون در جای مناسبی معامله خود را آغاز نکرده اید، متضرر شوید.

27- درگیر جزئیات زیادی شدن: درگیر شدن با جزئیات زیاد، تحلیل های گوناگون و استفاده از اندیکاتورهای بسیار، تنها باعث تشویش تریدر و بوجود آمدن سیگنالهای اشتباه می شود. از یک یا حداکثر دو روش استفاده کنید و برای تایید سیگنال های خود، از یکی دو اندیکاتور بیشتر استفاده نکنید و تا حد امکان سعی کنید چشم و گوش خود را روی سیستم ها و روش های دیگران بندید. اگر روش شما سودآور بوده چه دلیلی دارد که به دنبال تایید گرفتن از دیگر روش ها باشید؟ مگر آنکه روش شما سود آور نباشد و به آن اطمینان نداشته باشید.

28- نپذیرفتن اشتباه: نپذیرفتن اشتباه تنها لجبازی با خود و از بین بردن حساب خویش است. تفاوتی ندارد که تریدر یک معامله اشتباه را نمی پذیرد و از آن درس نمی گیرد و یا کلاً از یک سیستم معاملاتی اشتباه به طور مداوم استفاده می کند. بازار محل قدرت نمایی معامله گران نیست. هیچ زمانی بازار خود را با هیچ کس هماهنگ نمی کند. این تریدرها هستند که باید خود را با شرایط بازار هماهنگ کنند. اشتباهات خود را بشناسید، آنها را بپذیرید و از آنها درس بگیرید. اولین گام در راه موفقیت، شناسایی اشتباهات است.

29- کسی یک شبه پولدار نمی شود: تعریف شما از پولدار شدن چیست؟ اگر حسابتان را چند برابر کنید به خود پولدار می گویند؟ اینها سوالاتی است که عموماً تریدرهای مبتدی جوابی برایشان ندارند. ایشان از یک سو رویاهای بسیار بزرگ دارند و از سوی دیگر راه رسیدن به آنها را نمی دانند. احتمال اینکه یک حساب ده هزار دلاری از بین برود یا به یک میلیون دلار برسد یک به صد است. بسیاری افراد این مساله را درک نمی کنند و با هر معامله به دنبال سود های آنچنانی هستند که امری محال است.

این واقعیت که سرعت موفقیت در این بازار (مبادلات ارز) می تواند بیش از بازارهای دیگر باشد امری واضح است اما این سرعت به حدی نیست که با یک یا چند معامله میلیونر شوید. موفقیت پروسه ای است که زمان لازم دارد. برای موفقیت باید مجموع سودهای شما بیش از زیان های شما باشد. زمان لازم را به معاملات اختصاص دهید و مدام روشتان را تصحیح کنید.

30- ترس دیدن ضرر: ترس احساس طبیعی انسان است که او را از آسیب دیدن محافظت می کند. اما همین احساس اگر بیش از حد مجال یابد مانع پیشرفت و موفقیت می گردد. از اینکه معامله شما وارد ضرر شده نترسید مگر آنکه از سیستمتان پیروی نکرده باشید. زمانی که با برنامه و روش وارد معامله شده اید ترس عاملی بی معناست که تنها می تواند جلوی سودهای بیشتر شما را سد کند. با بازار منطقی برخورد کنید و تلاش کنید که قبل از انجام معامله، هنگام انجام معامله و بعد از آن احساسات بر تصمیم گیری شما تاثیر گذار نباشد.

31- در نظر نگرفتن نسبت ریسک به ریوارد: شما هیچ زمانی در تجارت بدون لوریج، حاضر به معامله کالایی که احتمال ضررش چند برابر امکان سودش است نمی شوید. اما زمانی که صحبت از لوریج می شود با هدف کسب سود بیشتر این ریسک را می پذیرید. انجام معامله ای که حد سود آن کمتر از حد ضررش است تنها استفاده از احتمالات علیه خویش است. سعی کنید به مبادلاتی مبادرت کنید که حد زیان به سودش، یک به یک و نیم یا بیشتر است.

32- فرضیات غلط: فرضیات غلط از مهمترین عوامل زیان ها هستند. بازارهای با فراریت زیاد (مانند مبادلات ارز) با اینکه از قوانین و فرضیات خاصی پیروی می کنند اما هیچ چیز در آنها ثابت و همیشگی نیست. اگر اتفاقی در گذشته روی داده هیچ تضمینی نیست که در آینده آن اتفاق یا عکس آن حتما روی دهد. بازار ترکیب و تلفیقی از اتفاقات گذشته و حال است. برای خود فرضیه بافی نکنید. از روش و سیستم معاملات خود پیروی کنید. تناقضات بازار را بشناسید و از فرضیاتی که اثبات نشده اند یا متزلزل هستند پیروی نکنید.

33- تاثیر شایعات: شایعات با اینکه مواقعی موتور متحرک بازار هستند اما زمان های بسیاری وجود دارد که بازار از شایعات پیروی نمی کند از شایعات دوری کنید حتی اگر هر از گاهی درست باشند. سعی کنید از واقعیات بازار فرضیه بسازید. برداشت های خود را با واقعیات بازار تطبیق دهید و سپس وارد بازار شوید. به این شکل حتی اگر متضرر شوید نگرانی چندانی ندارید چون شما کاری را که درست بوده انجام داده اید.

34- فریب سرعت بازار: حرکت شدید بازار در یک جهت، تضمین کننده ادامه حرکت در آن جهت نیست. این مساله در اغلب بازارهای مالی مشاهده می شود و باعث زیان بسیاری از مبتدی ها می گردد. اگر پیش بینی کرده اید که بازار در دو روز آینده به هدف سود شما می رسد و بازار در عرض چند ساعت به قیمت مورد نظر رسید هیچ تضمینی وجود ندارد که با همان سرعت یا در همان جهت ادامه مسیر دهد. سعی کنید در سود و ضرری که پیش بینی کرده اید از بازار خارج شوید و سرعت بازار شما را فریب ندهد. اغلب روندهایی که مدت های طولانی دوام میاورند، در نمودار قیمت شبیهی بین 45 تا 55 دارند. گرچه باز هم یادآوری می شود که شما باید در قیمت خروجی که قبل از آغاز معامله برای خود در نظر گرفته اید از بازار خارج شوید.

35- انتقام: انتقام احساسی است که بعد از هر شکست سراغ هر انسانی می آید. معاملات زیان آور خود را شکست تعبیر نکنید. بدون تحلیل و از روی احساس سعی در پس گرفتن پول از دست رفته خود نداشته باشید. تنها معامله گران مبتدی بعد از شکست

(قطعی یا در جریان) برای جبران زیان به حجم معامله خود می افزایند. اگر زیان کردید آنرا بپذیرید. سعی کنید دلیل آنرا بیابید. حداقل تا ساعاتی بعد از ضرر از معامله پرهیز کنید و در معامله جدید حجم آنرا افزایش ندهید.

36- نداشتن استراحت: هر از گاهی به خود استراحت بدهید. کار کردن پیوسته انسان را خسته و دلزده میکند. نمی گویم بازار را زیر نظر نداشته باشید اما گهگاهی از بازار فاصله بگیرید و پس از استراحت، دوباره شرایط را بررسی کنید. حتی برای معاملات خود نیز استراحت را فراموش نکنید. اگر سیستم شما بصورتی است که نیاز به زیر نظر گرفتن بازار دارد در مواقع خستگی از کامپیوتر خود فاصله بگیرید. ساعاتی را که فکر می کنید بازار حرکات چندانی ندارد به استراحت بپردازید و بعد به بازار برگردید. برای کسب درآمد سلامتی خود را به خطر نیندازید. ذهن شما مهمترین ابزار حضور شما در بازار است با استراحت راندمان و بازده کاری آنرا بالا ببرید.

37- رویا پردازی: یکی از اشتباهات رایج معامله گران مبتدی را رعایت نکردن ریسک به ریوارد (زیان به سود) دانستیم اما نقطه مقابل نیز برای این اشتباه وجود دارد: معامله گرانی که حد سود به ضررشان بیش از حد رویا پردازانه است. آنها با انتخاب حد ضرر های کوچک در پی سودهای بیش از حد بزرگ هستند. ریسک به ریوارد آنها اغلب از یک به چهار فراتر است. عموماً آنقدر معاملات در سود فرو رفته خود را نمی بندند که یا آن معاملات در برگشت با صفر بسته شوند و یا در ضرر فرو روند. آنقدر ضررهای کوچک را می پذیرند تا زمانی که متوجه می شوند سرمایه ای برای سود های بزرگ و بلند مدت ندارند.

38- اعتماد به نفس کاذب: حتماً تا به حال با افرادی مواجه شدید که چون چندین بار کاری را به درستی انجام داده اند فکر می کنند همیشه شرایط بر وفق مراد ایشان است. تصور می کنند بازار در دستان آنها است و فریب سود های گذشته را خورده و پل شکست خویش را می سازند. بازار اگر در جهت آنها حرکت نکند با آن لجبازی می کنند یا از بازار و معامله خود عصبانی می شوند اما هیچ فکر معقولی برای خروج از بحران نمی یابند. راه حل این افراد اجتناب از اعتماد به نفس کاذب است. هر میزان و هر چه معامله سودآور داشتید در زمان حال به فراموشی بسپارید و تنها تلاش کنید در مقابل معاملات حال حاضران بهترین و معقول ترین تصمیم را بگیرید.

39- عدم آرامش: آرامش از مهمترین و بدیهی ترین عوامل ترید است. زمانی که مشکل یا مساله ای در زندگی خصوصی دارید ترید نکنید. اصلاً به بازار نزدیک نشوید. بازار مکانی برای برون رفت از احساسات منفی شما نیست. چه بسا با تحمل ضرر احساسات منفی شما تشدید شود همانطور که همیشه توصیه شده احساس غرور و سرخوردگی ناشی از سود و زیان شما را از حالت تعادل خارج نکند. باید بتوانید احساسات خارج از بازار را نیز در زمان ترید کنترل کنید.

40- استفاده از ابزارهای دارای تاخیر: استفاده از ابزارهای دارای تاخیر مخصوصاً در استفاده از روش های تکنیکال و فاندamental می تواند عواقب وحشتناکی برای حساب شما داشته باشد. هر عامل تاثیر گذار غالباً در لحظه و خیلی زود تاثیر خود را روی قیمت در بازار نشان می دهد. بنابراین اگر از ابزاری استفاده کنیم که بعد از یک بازه زمانی اخطار خرید یا فروش را اعلام نماید به هیچ وجه منطقی نمی باشد. مهم ترین این ابزارهای دارای تاخیر ایندیکاتورهای لگینگ (Lagging) هستند.

41- عدم یادداشت برداری از معاملات: در صورتی که واقعا به موفقیت و رسیدن به اهداف در بازار ایمان دارید حتماً از معاملات خود یادداشت برداری نمایید. با این کار فرد از تکرار اشتباهات جلوگیری کرده و عوامل موفقیت خود را بیش از پیش

شناسایی می نماید. مکتوب کردن تمامی عوامل مهم از دیدگاه یک معامله گر در کنار یادداشت احساسات در زمان معامله، روشی کمی برای مشاهده آماری کیفیت ترید شما می باشد.

42- **نداشتن راهنما:** راهنما کسی است که شما را از اشتباهاتتان آگاه می کند و راه درست را به شما نشان می دهد. دیگر معاملات احساسی انجام نمی دهید چون باید به راهنمای خود توضیح دهید. امیدوارم درک کنید راهنما بازار را برای شما پیش بینی نمی کند، او به شما فورکست نمی دهد بلکه تنها شما را از اشتباهات بر حذر می دارد. نیازی نیست راهنما حتما یک تریدر باشد. آشنایی مختصر با مبادلات ارز هم کفایت گرچه اگر راهنمای شما معامله گری با تجربه باشد بهتر است. راهنما باید از همه شرایط شما و حسابتان آگاه باشد و متعهد باشد که هیچ اطلاعاتی از زندگی خصوصی شما به دیگران نمی دهد. راهنما تاثیر فوق العاده ای در پیش گیری از اشتباهات و تصحیح آنها دارد. برای خود راهنمایی امین بیابید.